



پزشکیان در گردهمایی جامعه سلامت:

نباید بگذاریم فقرای بیمار بمیرند

دیروز مسعود پزشکیان، کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ادامه برنامه‌های تبلیغاتی انتخاباتی خود با حضور در گردهمایی جامعه سلامت در هتل ارم، از مشکلات این حوزه گفت و شنید. در این گردهمایی، چهره‌های زیادی از متخصصان حوزه سلامت حضور داشتند از جمله پیروز حناچی، شهردار

پیشین تهران و محسنی بندپی، استاندار پیشین تهران. پزشکیان در این گردهمایی گفت که ما بدون همراهی شما امکان ندارد مشکلات پیچیده و زیاد این مملکت را حل کنیم و من نمی‌توانم همه این کارها را خودم انجام دهم: «ما وقتی می‌خواهیم از پزشکی صحبت کنیم، وظیفه داریم برای همه کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند خدمات ارائه دهیم.» او در ادامه گفت، زمانی که رئیس دانشگاه بودم به سلامت روستاهای دورافتاده فکر می‌کردم. باید نقشه‌ای می‌ریختم که بتوانم به آنها خدمت ارائه کنم، نه صرفاً به آنهایی که در شهرها هستند: «چون آنها که سواد ندارند، بیمار و فقیرند و زودتر می‌میرند و کسی که مسئولیت دارد، نباید اجازه بدهد این افراد بمیرند.» کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت که حاکمیت باید برای سلامت، شغل و آرامش روانی این افراد که در خطرند، نقشه‌ای برای پاسخگویی داشته باشد: «اینکه چگونه باید به اینجا برسیم، پزشکان و پرستاران بنشینند نقشه بکشند و به ما بگویند چه باید کنیم؟ ما مقدار خاصی تولید ناخالص داخلی (gdp) داریم که بخشی از آن را باید به نیروی نظامی بدهیم و بخشی را به سلامت و آموزش و پرورش. باید با همین سهم بگویید چه کنیم؟» او با بیان اینکه ما موظفیم به مردم خدمت ارائه دهیم، ادامه داد: «ما یکسری منافع شخصی داریم و در مقابل

منافع مردم که ما به‌عنوان سیاستمداران نتوانستیم منافع مردم را تامین کنیم.» این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در ادامه به موضوع تأیید صلاحیت‌اش در شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری گفت: «منی دلم چطور شد صلاحیت ما را تأیید کردند، حال آنکه پیش از این (نشاره به انتخابات مجلس دوازدهم) به دلیل حرفی که در جریان مهسا امینی زده بودم صلاحیتم رد شد.» پزشکیان با اشاره به اظهارات راکانی در مناظرات انتخاباتی هم گفت که این فرد سابقه‌دار است، می‌آید بداخلاقی می‌کند، می‌رود. پزشکیان ادامه داد: «اینکه مردم به ما اعتماد ندارند به این دلیل است که ما آنها صادق نیستیم. قرار نیست عده‌ای در این مملکت خودشان را تمام حق بدانند و به بقیه انگ جاسوسی و بیگانه‌بودن بزنند.» او گفت که ایران را همه ایرانیان می‌توانند بسازند، نه یک گروه خاص: «حق با کسی است که تواناتر، عالم‌تر و دلسوزتر است. همانطور که اگر یک فردی بیمار شود نزد پزشکی که به حزب و جریان آنها تعلق دارد نمی‌رود و به‌متخصص مراجعه می‌کند، این افراد کسانی را که با سهمیه می‌آورد، خودشان هم به آنها مراجعه نمی‌کنند! اگر غلط است چرا برای مردم نسخه غلط می‌پیچند؟» پزشکیان ادامه داد: «تقوا یعنی در سیاست بهترین و کارآمدترین تصمیم را بگیری و اجازه بدهی اجرائی کنند. در نتیجه کسی که شاید نماز شب هم بخواند ولی مثلاً برای یک بیمار نسخه درست نینچد، تقوا ندارد و در مقابل کسی که ممکن است نماز هم نخواند اما نسخه درست تجویز کند، این فرد تقوا دارد.»

این کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: «من دخترم را تنها بزرگ کردم و همانطور که هیچ‌یک از ما نمی‌تواند دخترش را به زور وادار به انجام کاری بکند، درباره زنان جامعه هم باید همین کار را کرد. اگر این مدل لباس پوشیدن گناه است، رفتاری که ما با این‌ها می‌کنیم صدریاب‌تر است.»

ابتدای این گردهمایی رضا رئیس کرمی، رئیس کمیته سلامت ستاد مسعود پزشکیان و محمدرضا ظفرقندی رئیس سابق سازمان نظام پزشکی کشور و رئیس پیشین دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره مشکلات حوزه سلامت صحبت کردند. ظفرقندی بابیان اینکه بزرگان کشور در حوزه پزشکی برای دکتر پزشکیان به صحنه آمده‌اند، گفت که جامعه پزشکی و کادر درمان برای مردم مرجعیت است که می‌تواند امکان تغییر را در جامعه فراهم کند: «با آمدن دکتر پزشکیان امکان بهبود اوضاع جامعه وجود دارد. رئیس جمهور با اخلاق، اخلاق را در جامعه جاری می‌کند و رئیس جمهور بی‌اخلاق، بی‌اخلاقی را. دکتر پزشکیان برای انسان و جان انسان‌ها ارزش ویژه‌ای قائل است.»

کنار رودخانه و دریا جمع شدند. این خانواده‌ها چهار نسل پیش در فلسطین با هم بودند و وقتی به اینجا پناه آوردند، با هم یک‌جا جمع شدند و جایی را انتخاب کردند که شبیه‌ترین مکان به فلسطین باشد.» این محقق به فعالیت یکی از سازمان‌های حقوقی مرتبط با فلسطین در دهه ۶۰ میلادی نیز اشاره کرد و گفت: «سازمان ملل برای حل مسئله فلسطین از جمله مسئله پناهندگان، در همان آغاز پاکستانی قومی در سال ۱۹۴۸، نهادی را تشکیل داد به نام یو.ان.سی.بی.سی که موظف شد با اسرائیل برای بازگرداندن فلسطینیان به سرزمین بومی خود مذاکره کند. فعالیت این سازمان در اواسط دهه ۶۰ میلادی متوقف شد و تقریباً در حافظه تاریخی سازمان‌های بین‌المللی به فراموشی سپرده شد که چنین سازمانی شکل گرفته و چنین رسالتی داشته است. بعد از آن، فلسطینیان با سازمانی به نام «انروا» ماندند که کارش نه حمایت حقوقی است و نه قانونی، بلکه ایجاد برخی فضاهای رفاهی در داخل اردوگاه‌هاست که به‌تدریج در یک روند سیستماتیک کاهش پیدا کرده و بودجه آن قطع شده است.»

ثبوت ادامه داد: «چطور آوارگان فلسطینی در چنین شرایطی امید خلی ناپذیر خود را به بازگشت به سرزمین اجدادی خود به یک شیوه زندگی تبدیل کرده‌اند؟ از مبارزه برای بازسازی اردوگاه‌های ویران شده گرفته تا انتقال نسل به‌نسل تاریخ و خاطره‌های جمعی. در اردوگاه‌های فلسطینی امید به‌شیوه جمعی ساخته می‌شود و آفرینش امید یک متد و پراکسیس است تا تاریخ، حافظه‌ها و تجربیات وارد گفت‌وگوهای بین‌نسلی شوند. از آنجا که فلسطینیان از حافظه به‌عنوان مقاومت استفاده می‌کنند، تخریب اردوگاه می‌تواند موجب تخریب یک مقاومت جمعی شود. پس اصرار برای ماندن در اردوگاه، اصرار برای حفظ جغرافیاست.»

او به نقاشی کودکان در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی و تحلیل آنها اشاره کرد و گفت: «پژوهشگران حوزه نقاشی کودک نشان داده‌اند که موضوع غالب در نقاشی کودکان تصویر انسان است، اما در نقاشی‌های کودکان فلسطینی، موضوع غالب خانه بود. در نقاشی این کودکان با مفهومی به نام خانه‌کشی آشنا شدم. آنها در خاطرات خود خانه‌ها و ساختمان‌ها را با تصاویری از گلوله‌باران، تهاجم‌های نظامی، شالوده‌های شکننده و سازه‌های ناپایدار به تصویر می‌کشند. آنها در نقاشی‌های خود خانه را به خط‌مقدم‌گیری منتقل کرده‌اند. این تصاویر به گفته هانا آرتز، درباره‌ی حق بودن و از دست دادن خانه نور می‌تاباند که می‌گوید، اولین خسرانی که افراد فاقد حق محتمل می‌شوند، از دست دادن خانه‌هایشان است که به‌معنای از دست دادن کل بافت اجتماعی است که در آن متولد شده و در آن جایگاهی برای خود در جهان پیدای می‌کنند.»

در ادامه، احمد موحدی، فعال حوزه فلسطین که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرده است، درباره تجربه حضور خود از فعالیت در کنار فلسطینیان و حضور در این اردوگاه‌ها توضیح داد و گفت: «به نظر من فلسطینیان تنها جمعیت مهاجری‌اند که سرزمین‌شان توسط فرد یا گروه یا دولت دیگری اشغال شده است. سایر گروه‌های مهاجر مانند مهاجران افغانستانی، سودانی، پاکستانی، سوری و... به این دلیل مهاجرت کردند که دولت مستقر خودشان باعث ایجاد شرایطی شد که آنها مهاجرت کنند. پس از سال ۱۹۶۷ به بعد، این بحث وجود داشت که چرا اردوگاه‌ها در این وضعیت باید ننگه داشته شوند؟ برخی محدودیت‌ها به توافقات سازمان آزادی‌بخش فلسطین و لبنان برمی‌گردد که طی آن فلسطینیان حق خرید زمین در این کشور را نداشتند. سازمان آزادی‌بخش نیز تعهد داده بود که فلسطینیان به برخی مشاغل وارد نمی‌شوند. بسیاری از دولت‌های عربی گفتند ما حاضری پول بدهیم و زمین‌های اردوگاه‌ها را که متعلق به لبنان بود، بخیریم و همین‌زمان بحث وطن‌بديل مطرح شد. اما هم فلسطینیان، هم لبنانی‌ها به‌شدت با آن مخالفت کردند. اصرار سازمان آزادی‌بخش و سایر تشکیلات این بود که اردوگاه‌ها باید در همین وضعیت بماند و شرایط زندگی باید درست‌مانند شرایط زمان اشغال فلسطین بماند.» او ادامه داد: «بزرگترین مشکل فلسطینیان بی‌هویتی است. من در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی می‌دیدم که بسیاری از آنها می‌گفتند که هیچ چیز نداریم؛ نه شناسنامه، نه پاسپورت و نه هویت مستقل. آنها این امکان را داشتند که از کشورهای دیگر پاسپورت بگیرند و برخی کشورها مانند تونس و الجزایر در دادن پاسپورت به فلسطینیان دست‌و‌دلباز بودند، بخش عمده‌ای از اردنی‌ها نیز فلسطینی‌اند و دولت هم آنها را پذیرفته بود. زمان عبدالناصر هم خود ناصر با فلسطینیان همدلی داشت، اما آنها زیاد تمایلی نشان نمی‌دادند که درون جامعه مصر حل شوند و بزرگترین خواسته این بود که ما باید همچنان فلسطینی باقی بمانیم و به فکر بازگشت باشیم.»

به گفته ثبوت، حق بازگشت یک حق بنیادین است که توسط حقوق بین‌الملل برای همه انسان‌ها تضمین شده و در قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل در ۱۸۶ جلسه عمومی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده است: «هانا آرتز معتقد است که حقی بنیادی‌تر از عدالت و آزادی وجود دارد و آن، حق داشتن است. فلسطینیان از این حق محروم شده‌اند و همین شرایط است که باعث شده یک انسان بی‌تابیت فلسطینی خود را در وضعیت تعلیق سیاسی و قانونی می‌بیند.»

او توضیح داد که چطور فلسطینیان اردوگاه‌های خود را به‌عنوان فضاهای متصل به فلسطین درک می‌کنند: «اسماعیل شیخ حسن، معمار فلسطینی می‌گوید که واقعه نسل‌کشی و اخراج فلسطینی‌ها نه‌تنها یک‌رندی‌های فضایی را در داخل فلسطین ایجاد کرد، بلکه در فراسوی مرزها نیز یک‌رندی‌های جدیدی را خلق کرد. یوم‌الکلبت نه‌تنها منجر به ایجاد اردوگاه‌های آوارگان شد، بلکه اساساً روابط فلسطین را با فضا، جغرافیا و جهان تغییر داد؛ بنابراین فضای فلسطین از جغرافیای سیال گشوده‌ای به‌شکل روستاها، شهرها و شهرک‌ها به مکان‌های ازهم‌گسسته و فراملی مانند اردوگاه‌های آوارگان، مناطق اشغالی و نظامی تبدیل شده که آنها هیچ خودمختاری‌ای در خلق و کنترل این فضاها ندارند و حاکمیت آنها در این فضاها مدام به چالش کشیده می‌شود و مورد انکار قرار می‌گیرد. محققان شهری به‌واسطه مکان و زمان خاصی که این اردوگاه‌ها تولید می‌کنند، به‌طور فرآینده‌ای به مطالعه اردوگاه‌های فلسطینی علاقه‌مند شده‌اند.»

او ادامه داد: «به گفته آدم رمضان، اردوگاه به‌عنوان یک فضای زیستی در یک زمان-فضای بینایی، در گذر بین مکان‌های تبعید و خانه قرار گرفته است. در این گفتمان اردوگاه به‌عنوان یک گسست ماندگار از فضا و زمان فلسطین عمل می‌کند. درک این مفهوم زمان-مکانی برای فهم معنای اردوگاه‌ها و مردمی که در آن به‌عنوان یک خانه دائمی، بلکه به‌عنوان یک مکان دائمی پایدار، اما موقتی ساکن هستند، بسیار مهم است. اردوگاه‌ها معمولاً از کبر، کانکس یا بناهای موقتی در پاسخ به شرایط اضطراری و برای احداث فوری طراحی می‌شوند و تجسم فضایی معماری موقتی هستند که به‌صورت ماندگاری ساخته نمی‌شوند. این فضاها سقف‌هایی معلق، دیوارهای سست و سیم‌های برق لخت و خانه‌های بدون پنجره دارند. این معماری، شاهد زنده آدم‌هایی است که در نوعی موقتی‌بودن دائمی زندگی می‌کنند و ۷۶ سال است منتظر بازگشت به خانه‌اند. برای سه‌ربع قرن جغرافیای فلسطین شاهد تاریخ‌زدایی و شهرکشی‌ها، فضاکشی‌ها، اشغال نظامی و پاکسازی قومی گسترده بوده است؛ از این رو ساکنان اردوگاه‌ها با تلاش برای بازسازی فلسطین در تبعید، نه‌تنها نقشی اساسی در ابقای جغرافیا و تاریخ فلسطین پیش از اشغال دارد که با مقاومت در برابر زودن حافظه، راه را به دادخواهی و بازگشت به وطن نیز گشوده است.»

ثبوت ناپودی و تخریب اردوگاه‌ها را همواره یکی از استراتژی‌های سیاسی برای انهدام رویای بازگشت فلسطینیان به وطن دانست و گفت: «بسیاری از اردوگاه‌ها بارها مورد حملات نظامی از سوی رژیم اشغالگر دولت‌های منطقه قرار گرفته‌اند. همچنین شاهد کشتارهای دسته‌جمعی بوده و با خاک یکسان شده‌اند، مانند اردوگاه «ایرموک» که پایتخت فرهنگی فلسطینیان در تبعید بود، بیش از ۲۰۰ هزار فلسطینی در آنجا زندگی می‌کردند و پس از انقلاب سوریه بسیاری مجبور به مهاجرت شدند و امروز بیش از ۱۸ هزار نفر در این اردوگاه زندگی نمی‌کنند.»

او به فضاکشی در فلسطین و اردوگاه‌های فلسطینی نیز اشاره کرد و ادامه داد: «این اقدام تاریخی طولانی در فلسطین دارد و آن اصطلاحاً «ساری حنقی»، جامعه‌شناس فلسطینی، با این توضیح مطرح می‌کند که اسرائیل بیش از هر چیزی در جهان از آوارگان فلسطینی متنفر است؛ چون آنها شاهدان زنده جنایت تاسیس دولت صهیونیستی در سرزمین بومی فلسطینیان‌اند. نوار غزه بزرگترین اردوگاه پناهندگان در جهان و شاهد زنده آوارگی فلسطینیان است که در آن منطقه به اجبار کوچانده شده‌اند. اردوگاه‌ها بیش از ۴۰۰ شهر و روستای پاکسازی شده در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹، در خود جای داده‌اند و به همین دلیل فلسطینیان از تخریب اردوگاه، به‌عنوان «تخریب تخریب» نام می‌برند که آخرین مرحله در روند پاکسازی است. در نخستین دیدارم از یکی از اردوگاه‌هایی که با خاک یکسان شده بود، مرد جوانی گفت آنجا روی تپه را می‌بینی؟ صفوره به نامیده می‌شود. در فلسطین «صفوره» روی تپه‌ای قرار داشت. پس اهل این منطقه خیمه‌های خود را اینجا روی تپه ساختند. آن قسمت کنار رودخانه هم «البروه» نام دارد. در فلسطین هم منطقه‌ای با همین نام در کنار رودخانه و دریا قرار داشت و اهالی آن هم اینجا، در



ما مردم فلسطین مانند دانه‌های قاصدک هستیم که در سراسر دنیا پراکنده شدیم و هر فلسطینی مانند یک سفیر است و بذر فلسطین بعد از ۱۹۴۸ در دنیا پراکنده شده است. همه مردم وطنی دارند که در آن زندگی می‌کنند، به غیر از ما که وطنی داریم که در ما زندگی می‌کند.

بزرگترین جمعیت آواره جهان

سخنران بعدی این نشست آژده ثبوت، محقق پسادکتری در حوزه بازسازی پساجنگ و عدالت انتقالی و عضو شبکه دانشگاهیان برای فلسطین در ایرلند بود. او درباره تحقیق میدانی خود در لبنان و مستنداتی تاریخی و شفاهی از فلسطین گفت: «وجه تمایز پناهندگان فلسطینی با سایر پناهندگان در جهان این است که این پناهندگان در یک ساختار حقوقی تبعیض آمیز نسبت به سایر پناهندگان زندگی می‌کنند. امروز از ۱۴ میلیون فلسطینی بومی که ۵۰ درصد آنها را کودکان تشکیل می‌دهند، هفت میلیون نفر از وطن خود تبعید شده‌اند. از هفت میلیون دیگر، بیش از دو میلیون نفر بدون هیچ حقوق بشری در اردوگاه مرگ، در غزه در محاصره بمباران و گرسنگی قرار دارند. سه میلیون نفر نیز در کنوهای تحت کنترل رژیم آپارناید در کرانه باختری زندگی می‌کنند و نزدیک دو میلیون در اراضی اشغالی ۱۹۴۸ ساکن هستند. آنها با ۹/۳ میلیون نفر بزرگترین جمعیت آواره جهان به‌شمار می‌روند و نه‌تنها از حق جبران خسارت یعنی بازگشت به خانه‌هایشان، استرداد اموال و دریافت غرامت محروم شده‌اند، بلکه پیوسته در معرض امواج جدید پاکسازی قومی و نسل‌کشی قرار دارند.»

او اضافه کرد: «پاکسازی قومی و اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل طی سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۶۷ منجر به آواره شدن بیش از سه‌چهارم جمعیت فلسطین شد. امروز حدود ۵/۵ میلیون نفر از کل آوارگان فلسطینی در ۶۸ اردوگاه در غرب آسیا زندگی می‌کنند. این اردوگاه‌ها جغرافیای یک مقاومت جمعی را شکل می‌دهند که تلاش کرده‌اند تاریخ رانده‌شدگان از وطن و خاطره بیش از ۴۰۰ شهر و روستای تخریب‌شده فراموش نشود. از نظر تاریخی، جوامع آواره فلسطینی و رهبران آنها در برابر برچسب پناهندگی مقاومت کرده‌اند. آنها خود را قائلون، یعنی بازگردانندگان می‌دانند. دلیل این مقاومت این است که فلسطینیان برخلاف سایر آوارگان به‌جای جذب شدن در کشوری که به آن پناه گرفته‌اند، در تلاش برای بازگشت به سرزمین خود هستند. همچنین این ترس وجود داشته است که برچسب پناهندگی به‌جای شناسایی هویت ملی و تمایل آنها به بازگشت، آنها را به توده‌ای ناشناس در تبعید تبدیل کند.»

ثبوت توضیح داد که پناهندگان فلسطینی وضعیت قانونی جداگانه‌ای از سایر پناهندگان دارند: «آنها بیشتر از هفت دهه است که در یک وضعیت حقوقی مجزا و نابرابر ننگه داشته شده‌اند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین سازمان حمایت از حقوق پناهندگان، یعنی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در قبال پناهجویان فلسطینی هیچ مسئولیتی ندارد. اساساً این آوارگان در آمار سالانه پناهجویان این سازمان به حساب نمی‌آیند؛ اقدامی که آوارگان فلسطینی را خارج از حداقل حمایت‌های بین‌المللی در دسترس برای سایر گروه‌های پناهندگان قرار می‌دهد. آنها تنها آواره نیستند، بلکه بی‌تابیت نیز محسوب می‌شوند و این شرایط باعث می‌شود به‌عنوان یک شهروند به‌رسمیت شناخته نشوند و این شرایط تا حد زیادی تجربه جوامع فلسطینی در کرانه باختری، غزه، قدس شرقی و آنها که در تبعید به‌سر می‌برند را شکل می‌دهد. در واقع آنها بزرگترین جامعه بدون تابعیت در سراسر جهان محسوب می‌شوند.»

او درباره محرومیت پناهندگان فلسطینی از حقوق قانونی بین‌المللی نیز توضیح داد و گفت: این شرایط که برای سایر پناهندگان در نظر گرفته شده، باعث می‌شود آنها از حق اشتغال یا داشتن دارایی هم محروم شوند. این ساختار تبعیض آمیز در غیاب کمک‌های بشردوستانه بقا را هم سخت‌تر می‌کند. در شرایطی که بودجه سازمان آنروا دائماً کاهش پیدا می‌کند و پناهندگان حق بنیادین حمایت بین‌المللی و حق بازگشت و اقامت در سرزمین خود را نیز ندارند، شرایط برای بقای آنها دشوارتر می‌شود.

آژده ثبوت
محقق پسادکتری
در حوزه بازسازی
پساجنگ و عدالت
انتقالی و عضو شبکه
دانشگاهیان برای
فلسطین در ایرلند:
آنها با ۹/۳ میلیون
نفر بزرگترین جمعیت
آواره جهان به‌شمار
می‌روند و نه‌تنها از
حق جبران خسارت
یعنی بازگشت
به خانه‌هایشان،
استرداد اموال و
دریافت غرامت
محروم شده‌اند،
بلکه پیوسته در
معرض امواج جدید
پاکسازی قومی و
نسل‌کشی قرار دارند



فراخوان ارزیابی کیفی

توبت دوم

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در دستگانه مناقصه‌گزار	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	۴۰۳/۱۹/ک	۲۰۵۳۹۲۱۷۹۰۵۸۴	۴۰-۹۰-۰۰۴۳۳۰۵۰۲/۶	Six Channel SPM Leonova Diamond Vibration Analyzer	۳,۹۴۲,۵۵۰,۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ ب- آخرین مهلت ارائه و بازگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه‌گزار: مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۷

روابط عمومی شرکت پالایش نفت آبادان

شناسه آگهی: ۱۷۳۷۲۵۴